

برگی از خاطره

(جلد اول)

به قلم

دکتر مرضیه بیگم سیاهوش

پزشک متخصص طب سنتی ایرانی

با مقدمه

استاد دکتر محسن ناصری

میرشنامه: سیاهپوش، مرضیه بیگم، ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور: برگه‌ای از خاطره‌ایه قلم مرضیه بیگم سیاهپوش؛ با مقدمه دکتر محسن ناصری.
مشخصات نشر: تهران: نوین پژوه سینا، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص
شابک: ۳۵۰۰۰۰ ریال 3-736700-978-622
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: سیاهپوش، مرضیه بیگم، ۱۳۵۳ --- خاطرات
یادداشت: پزشکان ایرانی --- خاطرات
Iranian physicians --- Diaries
شاسه افزوده: ناصری، محسن، ۱۳۴۸-، مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره: ۶۳۴
رده‌بندی دیویی: ۶۱۰.۵۵۰۹۲
شماره کتابشناسی: ۶۱۰.۵۸۹

عنوان: برگه‌ای از خاطره (جلد اول)



گردآورنده: دکتر مرضیه بیگم سیاهپوش
ویراستار: دکتر مرضیه بیگم سیاهپوش
ناشر: انتشارات نوین پژوه سینا
نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۹
قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال
شمارگان: ۵۰۰ جلد
شابک: ۳-۷۳۶۷-۶۲۲-۹۷۸

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار.....
۸	درباره خودم.....
۱۱	سخن استاد.....
۱۳	درباره مجموعه.....
۱۵	فصل اول: آشنایی با چهار استاد فایده.....
۱۷	استاد محمد عبادیانی.....
۲۳	دکتر محمد مهدی اصفهانی.....
۲۹	دکتر علیرضا یلدا.....
۳۵	دکتر محسن ناصری.....
۴۱	فصل دوم: اخلاق پزشکی، طب و دین، سلامت، معنوی.....
۴۳	اخلاق پزشکی در طب سنتی ایرانی.....
۴۸	رابطه پزشک و بیمار در طب سنتی ایرانی.....
۵۱	طب اسلامی چیست؟.....
۵۶	احادیث طب.....
۶۶	جهان بینی توحیدی در طب.....
۷۱	سلامت معنوی.....
۷۵	فصل سوم: کلیاتی در بهداشت و درمان.....
۷۷	بیماری در طب سنتی ایرانی.....
۸۰	جایگاه اصلاح سبک زندگی در طب سنتی ایرانی.....
۸۴	حجامت، بایدها و نبایدها.....
۸۸	ملاحظات در درمان با گیاهان دارویی و داروهای گیاهی.....
۹۹	طبی سازی درس خواندن.....
۱۰۴	مراقبتهای سالمندی در طب سنتی ایرانی.....

۱۰۹	فصل چهارم: طب زنان
۱۱۱	خونریزیهای رحمی در طب سنتی ایرانی
۱۱۴	سقط در طب سنتی ایرانی
۱۱۶	ناباروری زنان در طب سنتی ایرانی
۱۲۱	ناباروری مردان در طب سنتی ایرانی
۱۲۸	قطع قاعدگی در طب سنتی ایرانی
۱۳۱	یائسگی چیست؟
۱۳۷	داروها، گیاهی در طب زنان
۱۴۲	اعمال بیداری در طب زنان
۱۴۷	سندرم تخمدان پلی کیستیک
۱۵۴	سرطان پستان
۱۶۳	فصل پنجم: چند بیماری
۱۶۵	فشار خون در طب سنتی ایرانی
۱۷۳	دیابت در طب سنتی ایرانی
۱۷۸	بیماریهای تیروئید در طب سنتی ایرانی
۱۸۶	سرطان در طب سنتی ایرانی
۱۹۰	منابع:

پیشگفتار

طب سنتی ایرانی که پیشینه کهن دارد، تنها کمی بیش از یک دهه است که به صورت آکادمیک در کشور ما مطرح شده است. از ابتدای ایجاد رشته طب سنتی ایرانی در چهار دانشگاه علوم پزشکی کشور تا تأسیس دانشکده های طب سنتی در چندین دانشگاه علوم پزشکی، این رشته ی نوپای آکادمیک فراز و نشیب های فراوانی را طی کرده است. مخالفان از هیچ تلاشی برای آهسته کردن این حرکت علمی جدید فروگذار نکرده اند و موافقان افراطی نیز با بسمن چشم خود بر واقعیتهای علمی روز، به گونه ای دیگر بر پیکر این درخت جوان زخم زده اند. ولی این نهال، ریشه های کهن و محکمی دارد؛ و البته که از ریشه بر کندن آن غیر ممکن است. ما عالمان علمی بر مطالب موجود در متون طب کهن در دانشکده های طب سنتی در حال انجام ادوات شاید بر با طب سنتی کمی بیشتر مهربانی شود، دستاوردهای علمی و ارزشمند مبتنی بر آن سریر بر حاصل آید. طب سنتی انصافاً قبل از اینکه یک رشته درمانی باشد، یک رشته پژوهشی است. باید، واقعاً از ایمنی درمانها مطمئن شد، بسیاری از مباحث را به خوبی دریافت و اگر ممکن باشد با طب رایج قیاس نمود تا بتوان نتیجه گرفت که چه شیوه درمانی بیشتر به صلاح بیمار است. تعداد زیادی از پزشکان متخصص طب سنتی پس از فارغ التحصیلی از فضای آموزشی پژوهش دور شده، وارد فضای درمانی می شوند. درمانهایی که بسیاری از آنها بکر است و واقعاً از این بودن و میزان تأثیرگذاری آنها بی اطلاعیم. این بیم وجود دارد که این دسته از پزشکان به تدریج و خیلی آهسته، پا بگذارند جای پای افراد دوره دیده که تنها به تجربه دریافته اند که نفخ را با بادکوبه رفع کنند و سردرد را با حجامت! لذا بایستی فضای علمی برای پزشکان درمانی همواره زنده باشد. ما دچار آسیب ناشی از روزمرگی نشوند. هر چند که برنامه های بازآموزی بخشی از این فضا را فراهم می آورند. اینها همه مقدمه ای بود تا بگویم کتاب برگری از خاطره را بر اساس خاطرات تلخ و شیرینی که در این سالها در حین تحصیل یا پس از آن کسب کرده ام نوشته ام. بیشتر از هر کسی، برای خودم نوشته ام؛ برای گیر نیفتادن در چاله روزمرگی، و بعد برای همکارانم، آنها که فکر و احساسشان شبیه من است، و نیز برای پزشکانی که دید مثبتی به طب سنتی ندارند و آن را غیر علمی و تلقین می پندارند و نهایتاً برای مردم، آنها که طب سنتی را دوست دارند، باور کرده اند و به آموزه های آن صادقانه گوش جان می سپارند. شاید هم پس از اصلاح و بازنگری

خودم، مردم مهمترین انگیزه من برای هر اقدام علمی باشند. تا آنجا که در توان دارم برای آگاهی بخشی به آنان، البته در حد آگاهی خودم، و برای کمک به آنان، در حد اختیارات خودم، دریغ نخواهم کرد. در این مجموعه کوشیده‌ام تا درباره عناوین طبی که در جامعه زیاد بحث می‌شود یا مراجعه کنندگان زیادی دارد، تجارب خود را در قالب داستانهای کوتاه بیان کنم؛ سپس شرحی علمی بر آن اقدامات نوشته‌ام؛ باشد که برای دوستان و جویندگان حقیقت طب سنتی ایرانی، مورد استفاده واقع شود. از تمامی افراد صاحب قلم، متخصصان محترم طب سنتی، و سایر خوانندگان عزیز تقاضا دارم که نکات ارزشمند خود را در راستای اصلاح ارتقاء این مجموعه یادآوری بفرمایند.

درباره خودم:

مرضیه بیگم سیاموش متولد ۱۳۵۳، قزوین هشتم. سال ۱۳۷۱ از دبیرستان توحید شهر قزوین در رشته علوم تجربی دیپلم گذ کردم و در همان سال در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی زنجان پذیرفته شدم. نهاییات تر، در دانشگاه علوم پزشکی زنجان تحصیل کردم و از ترم دوم به دانشگاه علوم پزشکی تبریز منتقل شدم. در سال ۱۳۷۸ با معدل الف از دانشگاه علوم پزشکی قزوین فارغ التحصیل شدم. به مدت سه سال مسئولیت مراکز بهداشتی محمدیه و طارم را عهده دار بودم. همزمان در دانشگاه کاز البرز و دانشگاه رجاء قزوین مشغول تدریس درس تنظیم خانواده شدم که بعدها بد رسر دانش خانواده تغییر نام و البته تغییر سرفصل داد. به دلایل شخصی کار دولتی را رها کردم و به درمان بیماران در مطب کوچکی در پایین شهر قزوین مشغول شدم که از بهترین دوران کاری ام محسوب می‌شود. همچنین به آموزش صوت و لحن قرآن مجید در دبیرستان صدرا مشغول بودم. عا ر. م تعجب دوستان و استادانم، به طور جدی به ادامه تحصیل در رشته‌های تخصصی پزشکی فکر نمی‌کردم. علاقه‌ام بیشتر بر رشته‌های علوم پایه پزشکی و طب مکمل بود. به همین دلیل یادگیری زبان انگلیسی را تا بالاترین سطح آن ادامه دادم و با هماهنگی سازمان نظام پزشکی استان قزوین رشته طب سوزنی را در کشور چین برای ادامه تحصیل به طور تخصصی نه در حد دوره دیدن انتخاب کردم. تا اینکه به طور اتفاقی در هفته نامه سپید، از تأسیس رشته جدیدی به نام طب سنتی در کشور باخبر شدم. به نظرم شبیه طب سوزنی بود با این تفاوت که از فرهنگ ایرانی نیز بهره داشت. لذا انصراف خود را از طب سوزنی اعلام کردم و به مطالعه دروس مربوط به آزمون طب سنتی پرداختم. بسیار دلنشین بود. از آنجا که پاسخ برخی از پرسشهایی را که با

معلومات پزشکی ام قادر به یافتن آنها نبودم در کتابهای طب سنتی پیدا می کردم، مطالعه این کتابها برایم بسیار جالب و جذاب شد و گرنه تا آن زمان چیزی از اصطلاحات طب سنتی نمی دانستم. به همین دلیل بسیار بیشتر از آنچه که برای آزمون مشخص شده بود، خواندم. به مدد آشنایی با کلام الله مجید، خواندن و ترجمه متون عربی برایم دشوار نبود. عشق و علاقه ام به دیوان حافظ، گلستان و بوستان سعدی، شاهنامه فردوسی و متون ادبی قدیمی و مطالعه آنها باعث شده بود که خوانش و درک متون طب کهن نیز برایم آسان باشد؛ و چون از زبان انگلیسی نیز بی بهره نبودم، در اولین آزمون ورودی رشته طب سنتی با نمره ای خوب پذیرفته شدم. و از مهر ماه ۱۳۸۶ جزو اولین گروه دانشجویان طب سنتی تحصیل در این رشته را آغاز کردم. طی مدت تحصیل از محضر استادان گرانقدر و فرزانه ای همچون استاد محمد عبادیانی، استاد اسماعیل ناظم، دکتر محسن ناصری، دکتر محمد مهدی اصفهانی (ره)، دکتر حسن تاجبخش، سرکار خانم دکتر فرزانه غفاری، دکتر امید صادقیور، دکتر منصور کشاورز، دکتر علیرضا نیبخت نیربادی، دکتر سید اشرف الدین گوشه گیر و دکتر محمد باقر لاریجانی بهره ها بردم. از سال ۱۳۸۸ پس از طی دوره آموزشی، مشغول به طبابت در زمینه طب سنتی در کلینیک دانشده تهران شدم و همزمان شرکت در کنگره های علمی را آغاز کردم. پایان نامه ام را در تبیین قواعد ورزش در طب سنتی ایرانی با راهنمایی استاد محمد عبادیانی (حکیم و استاد طب سنتی) و دکتر غلامرضا شاه حسینی (فوق تخصص اورتوپدی و از استادان پزشکی ورزشی) و مشورت سرکار خانم دکتر مهدیه دادگستر (استاد و پزشک متخصص پزشکی ورزشی)، دکتر علیرضا نیکبخت نصرآبادی (استاد مشاور روش تحقیق) و دکتر محمد مهدی اصفهانی (استاد مشاور طب سنتی) با نمره عالی به انجام رساندم و نهایتاً پس از پنج سال تلاش بی وقفه، در سال ۱۳۹۱ با رتبه عالی موفق به دریافت دکترای تخصصی در رشته طب سنتی ایرانی از دانشگاه علوم پزشکی تهران شدم. اشتیاقم برای حضور در محضر استادان به قدری زیاد بود که در تمام آن سالها هر روز ساعت چهار بامداد قزوین را به مقصد تهران ترک می کردم و شب حدود ساعت ۹ به منزل باز می گشتم و تازه رسیدگی به امور منزل آغاز می شد و بعد تکالیفی را که استادان محول کرده بودند انجام می دادم. اغراق نیست بگویم که تنها فرصت استراحت زمانی بود که در اتوبوس و در جاده بودم. پس از فارغ التحصیلی ام در سال ۱۳۹۱، از سال ۱۳۹۲ در دانشگاه علوم پزشکی قزوین در درمانگاه تخصصی به مدت سه سال به ویزیت بیماران مشغول شدم. در این مدت سرپرست تیم المپیاد دانشجویان و مدرس فلسفه پزشکی تیم دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی قزوین بودم. با همکاری جهاد

دانشگاهی استان قزوین اقدام به برگزاری کلاسهای طب سنتی برای آشنایی مردم با مبانی و دستورات اصلاح سبک زندگی بر اساس آموزه‌های طب سنتی نمودم که تا کنون ادامه داشته است. پس از پایان دوره تعهد خدمتم در دانشگاه قزوین در سال ۱۳۹۵، در مطب شخصی مشغول فعالیت طب سنتی شدم و اکنون نیز بر همان هستم. در سال ۱۳۹۶ انجمن علمی طب سنتی ایرانی شعبه استان قزوین را تأسیس نمودم. معتقدم که طب سنتی بدون پژوهش و بدون آگاهی از جریان علمی روز ارتقا پیدا نمی‌کند به ویژه که سفارش همه استادان سخت‌کوش و زانقدرم نیز بر مطالعه و تحقیق بوده است لذا با آنکه بر هیچ حرفه دولتی نیستم که ثبت بهر عیش برایم رتبه شغلی بیاورد، پژوهش و به روز بودن را وظیفه خود می‌دانم. خلاصه‌ای از فعالیتهای حرفه‌ای و علمی خود را از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ در ذیل آورده‌ام:

ارائه ۶۰ مقاله در همینارها و کنگره‌های علمی و معتبر کشور به صورت سخنرانی و پوستر

چاپ ۳۰ مقاله در مجلات معتبر علمی به زبانهای فارسی و انگلیسی

داوری ۳۰ مقاله علمی، کتاب و پایان نامه

تألیف و مشارکت در تألیف ۷ کتاب طبی

تدریس در ۳۰ دوره، کلاس، کارگاه آه و زشت طب سنتی در تهران و قزوین

۳۰ سخنرانی کوتاه برای اقشار گوناگون مردم (دبیرستانها، دانشگاهها، فرهنگسراها،

ادارات، حوزه علمیه، دارالقرآنها، بسیج و...)

اجرای بیش از ۶۰ برنامه رادیویی و تلویزیونی در صدا و سیما، مرکز قزوین

سپری کردن صدها ساعت کارگاه آموزشی در زمینه‌های، اساس، فلسفه، اخلاق، طب و

دین، و داروسازی سنتی جهت ارتقاء توانمندیهای شخصی و حرفه‌ای خود

امید که تلاشهای اندک ما گامی در راستای ارتقاء سریع‌تر طب سنتی ایرانی باشد. برای

همیشه قدر دان زحمات استادان بزرگواری هستم که علاوه بر طب سنتی از آنان اخلاق

و معرفت نیز آموختم.

دکتر مرضیه بیگم سیاهپوش، پاییز ۱۳۹۸